۷ نکته از عملیات بیت‌المقدس براساس گفت‌وگو با سردار مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا در دوران دفاع مقدس

پایان رویای اشغال ایران

محمدحسن جعفری
خبرنگار

سردار مرتضی قربانی که در هر چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس فرمانده بوده و جزو نخستین فرماندهان یگان‌های سازمان رزم سپاه است، در قالب روایت‌هایی به تشریح مهم‌ترین گام عملیاتی ایران برای بیرون راندن متجاوزان بعثی از کشورمان پرداخته است.

۱ پس از اجرای عملیات طریق‌القدس، همراه با جمعی از فرماندهان خدمت امام خمینی (ره) رسیدیم. محسن رضایی فرمانده کل سپاه و سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش طرح‌های عملیات فتح‌المبین و آزادسازی خرمشهر را برای امام تشریح کردند. جلسه حدود ۲ ساعت به طول انجامید. پس از سخنان رضایی و صیادشیرازی، امام از طرح‌های نیروهای مسلح برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی به خصوص خرمشهر استقبال کردند.

۲ منطقه عملیات بیت‌المقدس، منطقه‌ای وسیع و گسترده بود و نیروها در مرحله اول عملیات باید از رودخانه کارون عبور می‌کردند. آن منطقه هرچند حدود ۵ هزار کیلومتر مربع بود، اما عراق با توپ‌های دوربرد، مناطق دیگر را هم زیر آتش خود قرار داده بود. بدین ترتیب، ارتش بعث عراق با توپ‌هایی که در مناطق دُبّ حردان، هویزه و فارسیات داشت، حدود ۱۰ هزار کیلومتر مربع را در اشغال و زیر آتش توپ‌های خود داشت.

۳ در عملیات بیت‌المقدس قرارگاه فتح وارد عمل شد. فرماندهان این قرارگاه سرهنگ منفرد نیاکی از ارتش و غلامعلی رشید از سپاه بودند. علاوه بر این قرارگاه، دو قرارگاه نصر و قدس نیز زیر نظر قرارگاه مرکزی کربلا اجرای عملیات را برعهده داشتند. فرماندهان قرارگاه نصر سرهنگ حسنی سعدی از ارتش و حسن باقری از سپاه و فرماندهان قرارگاه قدس سرهنگ لطفی از ارتش و احمد غلامپور از سپاه بودند. یگان‌های ارتش و سپاه زیر نظر این قرارگاه‌ها در سه محور به اجرای عملیات پرداختند. هر سه قرارگاه نصر، فتح و قدس موانع سختی را برای عبور پیش رو داشتند. رودخانه‌ها، آب‌گرفتگی‌ها، سیم خاردارها، میادین مین، سنگرهای مستحکم و کانال‌های احداث شده، از جمله این موانع بودند.

۴ دشمن پس از اجرای هر عملیات شبانه توسط رزمندگان ایرانی، با روشن شدن هوا به سرعت اقدام به پاتک سنگین می‌کرد. از این رو رزمندگان ایرانی پس از شکستن خط باید بلافاصله به پیشروی خود ادامه می‌دادند.

فاصله نیروهای ایرانی تا مرز ۳۵ کیلومتر بود و نیروها باید این مسیر را پیاده طی می‌کردند. هر رزمنده می‌توانست در روز ۶ کیلومتر و در شب ۳ کیلومتر پیاده روی کند. تصمیم گرفته شد تا پس از شکستن خط و عبور رزمندگان از رودخانه کارون، نیروها به سرعت به سمت دشمن حرکت کنند تا به جاده اهواز–خرمشهر برسند. مناطق پشت سر گذاشته شد نیز قرار شد در روز دوم عملیات پاکسازی شود. این اقدام همچنین موجب می‌شد تا عقبه بخشی از نیروهای دشمن که در منطقه دُب‌حردان قرار داشتند، بسته و کار برای نیروهای قرارگاه قدس آسان‌تر شود.

یگان‌های تحت امر قرارگاه فتح پس از شکستن خط و عبور از کارون، پس از ساعت ۳ نیمه شب به جاده آسفالته اهواز–خرمشهر رسیدند. اما یگان‌های تحت امر قرارگاه نصر که در سمت چپ قرارگاه فتح بودند، پس از شکستن خط، مشغول پاکسازی مناطق تصرف شده شدند و الحاق دو قرارگاه یک روز به تاخیر انجامید.

تاخیر در الحاق دو قرارگاه موجب شد تا دشمن بعثی فشاری را به یگان‌های قرارگاه فتح وارد سازد، اما با مقاومت رزمندگان، یگان‌ها توانستند در مرحله اول عملیات طی ۷ روز نبرد شدید، مناطق آزادشده را تثبیت کنند. پس از تثبیت مناطق آزادشده، نیروها به سمت مرز حرکت کردند. وقتی نیروها به مرز رسیدند، ارتش عراق دستور عقب‌نشینی دریافت کرد. در نتیجه قرارگاه قدس مامور به تعقیب نیروهای دشمن شد.

۵ ماموریت قرارگاه فتح در مرحله سوم و پایانی عملیات بیت‌المقدس، آزادسازی خرمشهر بود. حدود ۲۰ هزار نفر از نیروهای ارتش عراق در این شهر مستقر بودند.

پس از ناکامی نیروهای قرارگاه نصر در پیشروی به سمت خرمشهر، فرماندهان ارشد جنگ، فرماندهان قرارگاه فتح و یگان‌های آن را فراخواندند. جلسه‌ای با حضور محسن رضایی و سرهنگ صیادشیرازی در پشت جاده آسفالته اهواز–خرمشهر برگزار شد. در این جلسه در خصوص راهکارها و نقشه‌های باقی مانده برای ادامه عملیات بحث و گفت‌وگو شد. در نهایت راهکار «برش تاکتیکی» برای ورود به خرمشهر انتخاب شد.

نیروها به سه دسته تقسیم شدند. دو دسته به فرماندهی حسین خرازی و احمد کاظمی وارد شهر شدند تا خرمشهر را آزاد کنند. یک دسته نیز به فرماندهی بنده و تیپ ۵۵ هوابرد ارتش، مامور به قطع ارتباط نیروهای داخل شهر با بیرون از آن و ممانعت از فرار نیروهای عراقی شدیم؛ در واقع ما به تامین جناح پرداختیم.

در این راستا در شب دوم خرداد سال ۶۱ نیروهای تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۵۵ هوابرد برای تامین جناح راهی منطقه شلمچه و در محدوده پل نو خرمشهر مستقر شدند. درگیری شدیدی بین رزمندگان اسلام و نیروهای ارتش بعث در آن منطقه به وجود آمد؛ چراکه ارتش عراق می‌دانست، شلمچه نقطه پایانی است و اگر آن را از دست بدهد، دیگر امیدی به بازگشت ندارد و رویای اشغال خوزستان و ایران برای همیشه به پایان خواهد رسید.

ارتش عراق حدود ۱۰۰ تانک در آن منطقه مستقر کرده بود و نیروهای دشمن ادوات و تسلیحات بسیاری داشتند؛ اما با مقاومت جانانه نیروهای ایرانی و شهادت حدود ۲۰۰ نفر از رزمندگان اسلام، ارتش بعث عراق راه به جایی نبرد و نیروهای یگان‌های امام حسین (ع) و نجف اشرف در سایه پشتیبانی تیپ ۲۵ کربلا توانستند وارد خرمشهر شوند و خونین‌شهر را پس از ۵۷۶ روز اشغال به آغوش وطن بازگردانند.

۶ از بعد از ظهر روز دوم خرداد که مرحله نهایی عملیات بیت‌المقدس آغاز شد، نیروهای ارتش بعث عراق فهمیدند که راهی جز قبول شکست ندارد. به همین دلیل نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شدند تا اینکه در روز سوم خرداد و با ورود نیروهای ایرانی به خرمشهر، جمعیت بسیاری از نیروهای عراقی خود را تسلیم رزمندگان اسلام کردند.

در روز دوم خرداد، چند بالگرد عراقی برای نجات جان فرماندهان ارتش بعث وارد آسمان منطقه عملیاتی شد؛ اما با اقدام به موقع نیروهای یگان امام حسین(ع) و هدف قرار دادن آن بالگردها، عراقی‌ها موفق به نجات فرماندهان خود نشدند.

همچنین جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش با انهدام پلی که عراق برای تردد نیروهای پیاده و سبک به خرمشهر بر روی اروندرود زده بود، عقبه نیروهای دشمن را بست و بدین‌ترتیب نیروهای عراقی نه توانستند فرار کنند و نه توانستند پشتیبانی بشوند.

۷ امام خمینی (ره) پس از اجرای موفق عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در پیامی عنوان فرمودند که «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» من این پیام امام را زمانی که در شلمچه بودم از یک رادیوی ترانزیستوری شنیدم.

این پیام امام، حقیقتاً یک شاهکار بود. اگر رهبر کبیر انقلاب اسلامی این جمله تاریخی را بیان نمی‌کردند، مغرور می‌شدیم و فکر می‌کردیم ما بودیم که خرمشهر را آزاد کردیم. با آن جمله امام، من و ما به خدا تبدیل شد.



آن خلبان چه کسی بود؟

سردار فتح‌ا... جعفری

همه اقدامات برای اجرای عملیات فتح خرمشهر فراهم می‌شد، قرارگاه کربلا و سه قرارگاه نصر، فتح و قدس خود را برای بزرگترین واقعه سال، فتح خرمشهر آماده می‌کردند. محمد باقری معاون اطلاعات قرارگاه فتح گزارش داد دشمن در ۷ کیلومتری غرب کارون در حال احداث خاکریز جنوب به شمال است. این اصلا خبر خوبی برای قرارگاه کربلا نبود. بعد از دو روز مهدی زین‌الدین اطلاعات عملیات قرارگاه نصر را تایید کرد اما حسن باقری که از طراحان عملیات بود، شخصا به شناسایی رفت و متوجه شد که ایجاد خاکریز در ۷ کیلومتری غرب کارون توسط ارتش بعث عراق صحت دارد. قرار بر این بود عملیات بیت‌المقدس در ۱۷ اردیبهشت همزمان با میلاد مولای متقیان حضرت علی(ع) آغاز شود . اگر این خاکریز تکمیل می‌شد و سپاه سوم در پشت آن نیروهایش را آرایش می‌داد، عملیات را با مشکل مواجه می‌کرد. لحظه‌های آخر روزهای فروردین ۱۳۶۱ در حال سپری شدن بود. نماز مغرب و عشا که تمام شد، جلسه قرارگاه کربلا با حضور فرماندهان ارتش، سپاه و جهاد شروع می‌شد. در صف جماعت در کنار سرهنگ خلبان محمد حق‌شناس بودم؛ خلبانی شجاع که در آستانه عملیات فتح‌المبین محسن رضایی را به تهران برد و برگرداند. هنگام بازگشت شجاعانه بر فراز نیروهای دشمن در غرب کرخه دور زده بود و انبوه تانک‌های دشمن را به آقامحسن نشان داده بود. نماز که تمام شد و برای جلسه آماده شدیم، حسن باقری به سرهنگ محمد حق شناس گفت: ما از غرب کارون عکس هوایی می‌خواهیم. این عکس هم باید سریع آماده شود تا تصمیم بگیریم. سرهنگ حق شناس گفت: ان‌شاءا... هوا خوب باشد، فردا صبح تهیه می‌کنیم. جلسه آغاز و بحث آمادگی‌ها، شناسایی، انتقال امکانات و ...مطرح شد.

سی و یکم اردیبهشت ۱۳۶۱ عکس هوایی به قرارگاه کربلا آمد؛ عکسی واضح، دقیق و مطلوب که ایجاد خاکریز، تقویت دشمن و گزارش محمد باقری را تایید می‌کرد. حالا باید فرماندهان تصمیم بگیرند؛ تصمیمی که ابتکار عمل از دشمن بعثی گرفته شود. فرماندهان قرارگاه‌های کربلا، نصر و فتح تصمیم گرفتند عملیات را جلو انداخته و به‌جای ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ روز دهم اردیبهشت را برای آغاز عملیات انتخاب کنند اما راستی آن خلبان شجاع هواپیمای آر اف ۴ نیروی هوایی چه کسی بود؟ از کدام پایگاه پرواز کرد و از میان آن همه امکانات دفاع هوایی دشمن بعثی موفق شد بر فراز مواضع آنها ظاهر شود و عکس بگیرد و سالم به پایگاه برگردد. کار بزرگی کرد! اما چرا نامش نیست؟ او باید به عنوان چهره‌ای ماندگار در تاریخ دفاع کشورمان جاویدان بماند.